

خشونت جنسی علیه زنان در نظام تقنینی ایران و افغانستان؛ از به‌ستوه‌آوری جنسی تا تجاوز

سودابه رضوانی*
اعظم مهدوی پور**
عبدالمتین منیب***

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۱

چکیده

خشونت جنسی علیه زنان، یکی از گونه‌های خشونت است که به‌رغم داشتن آثار زیان‌بار جسمی و روانی شدید، بنا به دلایل مختلف همچنان، شایع و نیازمند توجه است. ایران و افغانستان از جمله کشورهایی هستند که در سال‌های اخیر در راستای جرم‌انگاری اقسام خشونت علیه زنان با طرح لوایح یا تصویب و بازبینی قوانین موجود، گام‌هایی برداشته‌اند. کارایی و چالش‌های تقنینی حمایت از زنان در برابر خشونت جنسی علیه زنان یکی از پرسش‌های اساسی این پژوهش است که باید به آن پاسخ داد. به نظر می‌رسد، واقعیت این است که در پرتو توسعه فرهنگی و اجتماعی در ایران و با تغییر نظام سیاسی در افغانستان، دیدگاه‌ها نسبت به مسائل زنان تغییر نموده و در این راستا مقررات چندانی تصویب شده است، هرچند که هنوز تا رسیدن به یک سیاست جنایی منسجم و منعطف راه درازی در پیش است.

کلیدواژگان:

بزه‌دیدگی، به‌ستوه‌آوری جنسی، تجاوز به عنف، خشونت جنسی.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
S.Rezvani@khu.ac.ir

** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
amahdavi@khu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
Matinmonib57@gmail.com

مقدمه

سازمان بهداشت جهانی، خشونت را «به‌کارگیری عمدی نیرو یا قدرت فیزیکی به صورت واقعی یا تهدید به آن» می‌داند که دارای انواع مختلفی مانند خشونت جسمی، روانی و جنسی است^۱ و می‌تواند از سوی هر شخص در محیط خانواده یا خارج آن انجام شود. وفق برخی پژوهش‌ها، خشونت علیه زنان در افغانستان، وسیع، شدید و دارای ریشه‌های عمیق است و این خشونت که بخش بزرگی از جمعیت زنان افغانستان را در برمی‌گیرد، ریشه در فرهنگ، رسوم، سنت‌ها، نگرش‌ها و برخی رویه‌ها در افغانستان دارد.^۲ به نظر می‌رسد درگیری افغانستان در جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی و قومی به مدت چند دهه، خود یکی از عوامل خشونت علیه زنان در درگیری‌های نظامی نیز بوده است. به عبارت دیگر، وجود این ناآرامی‌ها افزون بر عدم وجود حکومت مرکزی قدرتمند، عدم امنیت و عدم وجود قوانین و مقررات مناسب تأثیر مخربی بر جایگاه زنان^۳ و به حاشیه‌رانده شدن آنان در افغانستان داشته است. به دلیل این مشکلات بود که افغانستان در سال ۲۰۰۳ براساس الزام‌های ناشی از قانون اساسی، به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان پیوست که خود، منجر به به رسمیت شناختن مسئولیت دولت برای حمایت از زنان در برابر خشونت شد. به این ترتیب، افغانستان با تصویب قوانین و مقررات مختلف در این راستا، دست‌کم به لحاظ تقنینی گام‌های بلندی برداشته است و سایر قوانین مربوط به حمایت از زنان در برابر خشونت، در پرتو قانون اساسی به عنوان قانون راهبر تصویب و به لحاظ تقنینی تحولات عمیقی ایجاد شد. شایان ذکر است که فعالان حقوق زن در افغانستان درخصوص گنجانیدن مقررات مربوط به خشونت علیه زنان در قانون جزای موجود یا تصویب یک قانون مستقل، به‌ویژه در تعریف و جداسازی جرم تجاوز به عنف از زنا اختلاف نظر داشتند که درنهایت،

۱. رنجبران، قاسم و الهه دبیرزاده، *خشونت بر زنان در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی*، انتشارات فرهنگ‌شناسی، ۱۳۹۰، ص ۲۲.

2. Silence is violence, *End The Abuse Of Afghanistan, Human rights, United Nation Assistance Mission in Afghanistan, Kabul*, Office Of The United Nation High Commissioner for human Rights Geneva, July 2008, P. 1

۳. وفق برخی گزارش‌ها، تا سال ۲۰۰۷، فقط ۲۸ درصد از جمعیت بالای ۱۵ سال، سواد داشتند و در برخی مناطق که ۷۴ درصد جمعیت افغانستان در آنجا زندگی می‌کنند، ۹۰ درصد زنان قادر به خواندن و نوشتن نبودند. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک:

Afghanistan Human Development Report 2007.

قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸ به‌رغم ایرادهای وارد بر آن تصویب و ابلاغ شد. این قانون، حتی پس از تصویب کُد جزا در سال ۱۳۹۶ که مقررات ماهوی بیشتری در مورد خشونت‌های جنسی و به‌ویژه تجاوز به عنف داشت، به صورت یک قانون مستقل باقی ماند^۱ و بیست و دو مورد از مصادیق خشونت علیه زنان را بیان نمود.

از میان گونه‌های خشونت، خشونت جنسی به دلایل گوناگون دارای اهمیت بسیار است که در تعریف و مصادیق آن وحدت‌نظر نیز وجود ندارد. سازمان بهداشت جهانی خشونت جنسی را «هرگونه عمل جنسی، تلاش برای انجام عمل جنسی، نظرهای ناخواسته، پیش‌روی جنسی، تجارت جنسی یا کارهای صورت‌گرفته دیگر، برخلاف تمایلات جنسی فرد با استفاده از اجبار، توسط هر فرد بدون در نظر گرفتن رابطه خود با قربانی، در هر محیط، شامل خانه و محل کار، اما نه محدود به آن»^۲ می‌داند. بنابراین، خشونت جنسی ممکن است گونه‌های مختلفی داشته باشد و از رفتارهای غیرلمسی بدون رضایت یا به ستوه‌آوری، به‌ویژه در محیط کار یا اماکن عمومی تا تجاوز به عنف به عنوان شدیدترین جرم جنسی را دربرگیرد که قابل بررسی است.

در نوشتار کنونی با وجود امکان روش‌های مختلف تطبیق، در نهایت، با توجه به تنوع قوانین و حمایت‌های نوآورانه در عرصه خشونت جنسی در مقررات افغانستان، به‌ویژه در سال‌های اخیر، مقررات افغانستان، اساس کار تطبیقی قرار گرفت.

۱. اذیت و آزار جنسی؛ از ابهام مفهومی تا گستره مصادیق

با توجه به طیف گسترده رفتارهایی که در قلمرو آزار جنسی قرار می‌گیرد، بیان یک تعریف جامع و مانع از آن چندان آسان نیست. اما با تمرکز بر وجوه مشترک این رفتارها، می‌توان گفت، مزاحمت و آزار جنسی از نظر عنصر مادی، طیف وسیعی از رفتارهای لفظی و غیرلفظی را که نوعاً، مرعوب‌کننده، آزاردهنده یا تحقیرکننده‌اند، دربر می‌گیرد.

1. Wimpelmann, Torunn, Adultery, Rape and Escaping the House: The Protection and Policing of Female Sexuality in Afghanistan, CMI Working Paper, December 2017, p.10
2. World Health Organization. , *World report on violence and health* (Geneva: World Health Organization, 2002),p 149.

۱.۱. گونه‌های اذیت و آزار جنسی: از درخواست نامشروع تا آزار کلامی

هر چند بسیاری از رفتارهای شکل‌دهنده این جرم، دارای ماهیت جنسی‌اند، مزاحمت جنسی لزوماً به رفتارهای جنسی محدود نمی‌شود و هرگونه رفتار که با توجه به هویت طرف مقابل به عنوان یک سوژه/ موضوع جنسی صورت پذیرد، مزاحمت جنسی تلقی می‌شود.^۱ آنچه که می‌تواند وجه مشترک تعاریف گوناگون باشد، عدم رضایت و ناخوشایندی رفتار برای یک زن است. در افغانستان، خشونت‌های زبانی و روانی علیه زنان هم در داخل خانواده و هم در اماکن عمومی به اشکال گوناگون رخ می‌دهد. توهین و تحقیر، تهدید به طلاق، ازدواج با زن دوم، آزار و اذیت خیابانی از مصادیق بارز آن است که روزانه صدها زن آن را تجربه می‌نمایند.^۲ مصادیقی که در قانون منع خشونت علیه زنان به حیث خشونت روانی به آنها تصریح شده است، عبارت‌اند از: دشنام، تحقیر و تخویف؛ مجبور نمودن به خودسوزی، خودکشی یا استعمال مواد مضر؛ ازدواج با بیش از یک زن بدون در نظر گرفتن تأمین عدالت بین زوجه‌ها، کفایت مالی و مصلحت مشروع؛ انزوای اجباری، یعنی ممانعت از دید و بازدید با محارم شرعی. با وجود مبهم بودن برخی از این مصادیق، آنچه که جالب توجه است، جرم‌انگاری موارد صرفاً، فقهی یا اخلاقی مانند ازدواج مجدد بدون تأمین عدالت میان همسران است. در خصوص تهدید و مصادیق آن در حقوق ایران نیز باید گفت به نظر می‌رسد از مقررات عام ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵ در خصوص تهدید به قتل، ضررهای شرفی، نفسانی، مالی یا افشای سر نسبت به فرد یا بستگان وی، بتوان استفاده نمود. البته، گفتنی است که تهدید باید ناظر به موضوع معین، صریح و از روی عمد باشد و در این مسئله، واقعی بودن تهدید یا انگیزه مرتکب بی‌تأثیر است.^۳ آنچه که در این راستا، چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد این است که به‌رغم حمایت‌های قانونی مناسب با توجه به اینکه معمولاً، خشونت کلامی در فضای خصوصی صورت می‌گیرد یا پس از ارتکاب آن در عالم واقع آثاری از آن باقی نمی‌ماند و بار اثبات آن بر عهده زن است، امکان به نتیجه رسیدن دعوا

۱. پاک‌نهاد، امیر، تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی مزاحمت جنسی، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲، صص ۱۲ و ۱۳.

۲. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، پیشین، ص ۱۴.

۳. اسدی، محمد و احمد مرتاضی، خشونت کلامی خانگی علیه زنان و راهکارهای قانونی برخورد با آن، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۲، ص ۱۱.

چندان قطعی نیست. با وجود این، توجه قانون‌گذار به جرم‌انگاری آن به لحاظ نشان دادن اهمیت این رفتار، گامی در حمایت از بزه‌دیدگان است. به این ترتیب، از منظر بند ۷ ماده ۳ قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸ افغانستان نیز اذیت و آزار، «ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ یا به هر وسیله یا به هر نحوی است که موجب صدمه به شخصیت، جسم و روان زن گردد»^۱. همان‌گونه که از این ماده برمی‌آید، آزار با هر روش و وسیله منجر به آسیب به روان، جسم و شخصیت زن می‌شود. براساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در سال ۱۳۹۵، حدود ۹۷۷ مورد خشونت لفظی و روانی ثبت شده است که در میان آنها، ۷۰۸ مورد قضیه توهین و تحقیر به طور خاص و ۲۰۲ آزار و اذیت در معنای خاص قانونی بوده است. بنابراین، این خشونت، به عنوان عام‌ترین نوع خشونت در افغانستان محسوب می‌شود که ۷۰ درصد این خشونت‌ها علیه زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله ارتکاب یافته، درحالی‌که کمترین توجه را به خود معطوف داشته است.^۱

همچنین، ماده سوم قانون منع اذیت و آزار افغانستان مصوب ۱۳۹۶ شمسی نیز مقصود از اذیت و آزار را «تماس بدنی، خواست نامشروع، آزار کلامی، غیرکلامی و یا هر عملی که موجب صدمه روانی، جسمانی و توهین به کرامت انسانی زن و ... شود»، دانسته است. در ادامه همین ماده، هر یک از رفتارهای پیش‌گفته در راستای تحقق اذیت و آزار تبیین شده که برخی موارد آن به گونه‌ای با خشونت جنسی در ارتباط است. مورد نخست، خواست نامشروع است که به معنای تقاضای مرد از زن و ... به انجام عملی است که همراه با انگیزه جنسی باشد. بنابراین، در این قسمت، قانون‌گذار صرف درخواست و تقاضا با انگیزه جنسی بدون انجام هر رفتار دیگر را جرم‌انگاری و گونه‌ای از اذیت و آزار تلقی نموده است. آزار کلامی دربردارنده کلمات، جملات، شوخی‌ها و طنزهای غیراخلاقی، توصیف بدن، رفتار، لباس و ... است که به گونه‌ای امنیت روانی زن را تحت تأثیر قرار دهد. آزار غیرکلامی نیز به نمایش گذاشتن تصاویر یا مطالب توهین‌آمیز در خصوص مسائل جنسی به عنوان مثال، در رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی و ... است که آمار این خشونت در افغانستان کم نیست.^۲ به این ترتیب، نقش رسانه‌های اجتماعی نیز در این راستا،

۱. گزارش کمیسیون، ۱۳۹۵، ص ۲۱.

۲. وفق گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان، از بین ۱۸۱ گزارش خشونت جنسی در سال ۱۳۹۵، ۳۴ مورد، اذیت و آزار جنسی بوده است. (گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، پیشین، ص ۱۲).

بسیار مهم است. از این‌روست که وفق ماده ۱۹ لایحه، «صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت ایران، یکی از وظایف سازمان صدا و سیما، «تهیه و پخش برنامه‌های رسانه‌ای در زمینه افزایش امنیت و کرامت بانوان و ترویج الگوهای شایسته رفتار با بانوان در خانواده و جامعه، فراهم نمودن زمینه برای دیگر دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی فعال در امور بانوان به منظور تهیه و انتشار برنامه‌ها و مطالب مربوط به اهداف این قانون و انتشار و پخش رایگان آن پس از تصویب کمیته ملی و استانداردهای تولید و پخش برنامه‌ها و جلوگیری از انتشار و پخش برنامه‌ها و مطالب ترویج‌کننده خشونت و تهیه دستورالعمل لازم» در این خصوص است.

همچنین، وفق ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵، تعرض یا ایجاد مزاحمت برای زنان یا اعمال خشونت کلامی یا غیرکلامی مانند الفاظ و حرکات مخالف شأن و حیثیت آنها، جرم‌انگاری شده است. در این راستا، باید گفت رفتارهای تشکیل‌دهنده مزاحمت جنسی می‌تواند در محیط‌های عمومی نظیر اماکن عمومی یا معابر و نیز، محیط‌های خصوصی شکل بگیرد، اما شاید قانون‌گذار با تصور مبتلابه نبودن مزاحمت جنسی در محیط‌های خصوصی، در جرم‌انگاری مزاحمت شرط مکانی مطرح نموده و آن را محدود به اماکن عمومی و معابر ساخته است. این مسئله، درحالی است که امروزه، بسیاری از مزاحمت‌های جنسی، به‌ویژه مزاحمت‌های شغلی در محیط‌های کاری خصوصی، مانند شرکت‌های خصوصی صورت می‌گیرد و این امر، از ایرادهای مهم این ماده است. به نظر می‌رسد افزون بر ماده ۶۱۹ پیش‌گفته، در بین اصطلاحات حقوقی مربوط به تعرض‌های جنسی موجود در قوانین فعلی، عبارت عمل منافی عفت غیر زنا مندرج در ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات، نزدیک‌ترین مفهوم را با اصطلاح آزار جنسی دارد.

در مواد ۴۰ و ۴۱ لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، ایجاد مزاحمت یا تعرض به بانوان در اماکن عمومی و نیز آزار روحی و روانی زن با ارسال پیامک از طریق دستگاه‌های مخابراتی، فضای مجازی یا هر وسیله دیگر جرم‌انگاری و با مجازات درجه شش کیفرگذاری شده است. همچنین، ماده ۵۰ لایحه صیانت، در این راستا، بیان داشته است: «هرگاه در اماکن عمومی، مردی عمداً بدن خود را به بدن زنی بزند یا به هر نحو با وی تماس ایجاد کند به شلاق درجه ۸، محکوم می‌گردد». شلاق درجه ۸ وفق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شلاق تا ده ضربه است. به‌رغم اختلاف در لزوم جرم‌انگاری یا روش‌های اثباتی موضوع ماده که

یکی از مصادیق آزار جنسی، به‌ویژه در اماکن و محیط‌های عمومی محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد صرف جرم‌انگاری این عمل که آزاردهنده نیز است، ولو با کیفر خفیفی مانند ده ضربه شلاق، فارغ از بازدارندگی یا شیوه اثبات، کارکرد نمادین دارد و نشان‌دهنده اهمیت به این گونه از آزار است. هر چند نباید از سایر اقدام‌های حمایتی غافل ماند.

۱.۲. اقدام‌های حمایتی؛ از پیشگیری تا تنبیه

اقدام‌های حمایتی از زنان در برابر خشونت، طیف وسیعی از اقدام‌های کنشی و واکنشی را در برمی‌گیرد. ایجاد سازوکارها و نهادهای حمایتی در حوزه زنان، قرارهای پیشگیرانه یا حتی، پیش‌دستانه مانند پیش‌بینی خشونت با توجه به عوامل ریسک^۱ در مردان مرتکب و زنان بزه‌دیده^۲ و با روش‌های آماری و بالینی، اقدام‌های جامعوی و در نهایت، پیش‌بینی کیفر از جمله مهم‌ترین اقدام‌ها در این راستاست. با توجه به آنچه که در قوانین و مقررات افغانستان به عنوان مبنای تطبیق در پژوهش کنونی، پیش‌بینی شده است، می‌توان این اقدام‌ها را به اقدام‌های پیشگیرانه و تنبیهی تقسیم‌بندی نمود.

۱.۲.۱. از پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیری اجتماعی تا پیشگیری وضعی

با نگاهی اجمالی به «قانون منع اذیت و آزار زنان و کودکان» افغانستان، می‌توان دریافت که مواد بسیاری در این قانون اختصاص به اقدام‌های پیشگیرانه، به‌ویژه، پیشگیری اجتماعی و آموزش و آگاهی‌بخشی به عامه با تشکیل کمیسیون عالی منع اذیت و آزار زنان و نیز کمیته مبارزه با اذیت و آزار زنان با ترکیب نهادهای مختلف در این مورد و چندین مورد نیز اقدام‌های پیشگیرانه وضعی است. این قانون و سایر مقررات در راستای ماده ۴۴ قانون اساسی افغانستان است که دولت را مکلف به «انجام برنامه‌های انکشافی سوادآموزی و انکشاف آموزش زنان» نموده است. در ماده ۵۴ نیز دولت مکلف شده است تا به منظور حمایت از خانواده و تأمین سلامتی روحی و جسمی مادر و کودک شرایط لازم را به عمل آورد. همچنین، مواد ۵ و ۱۵ قانون منع اذیت و آزار زنان و اطفال و قانون منع خشونت علیه زنان، کمیسیون منع اذیت و آزار و

1. Risk Factors.

۲. غلامی، حسین و مهری بزرگر، پیش‌بینی خشونت علیه زنان و راهکارهای اتخاذی بر مبنای آن، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره ۱۴، صص ۶ و ۷.

خشونت علیه زنان را ایجاد نموده است که از صلاحیت‌های تحقیق، اجرای برنامه‌های آگاهی‌دهی، تأمین هماهنگی میان نهادهای مبارزه با آزار و اذیت و خشونت، پیشنهاد تعدیل یا وضع مقررات که در تطبیق این قوانین مؤثر باشد، برخوردار است. در بند ۵ ماده دوم قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸ نیز یکی از اهداف قانون، تأمین آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن برشمرده شده است که نشانگر این است که از دیدگاه نظام حقوقی افغانستان، یکی از راه‌های مؤثر مقابله با خشونت علیه زنان، آموزش عمومی کلیه افراد جامعه است. در راستای اجرایی‌شدن بخشی از مواد این قانون، کمیسیون منع خشونت علیه زنان تأسیس شد که یکی از وظایف مهم آن، آگاهی‌بخشی به عموم در مورد خشونت علیه زنان در رسانه‌های مختلف است که بنابه برخی دلایل، مانند ناامنی در سطح کشور و عدم ناهماهنگی میان ادارات مختلف در کشور، در اجرای وظایف خویش با موانعی^۱ مواجه بوده است. به نظر می‌رسد آگاهی‌بخشی به عموم نقش مهمی در گزارش وقایع خشونت‌بار داشته باشد. در بند «پ» ماده ۱ لایحه «کرامت، صیانت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» ایران نیز یکی از اهداف این لایحه، افزایش سطح آگاهی عمومی و آموزش‌های اختصاصی در زمینه مقابله با بزه این قانون دانسته شده است و در ماده ۱۷ از جمله وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طراحی و اجرای برنامه‌های تحقیقاتی کلان و چندرشته‌ای به منظور ارتقای دانش و خدمات اجتماعی برای کاهش خشونت علیه بانوان و تدوین برنامه‌ها و سرفصل‌های آموزشی در مقاطع مختلف آموزش عالی دانسته شده که رویکردی همسو با قوانین مقابله با خشونت علیه زنان در افغانستان است. از این‌رو، به نظر می‌رسد مداخله اجتماع‌محور، یکی از مهم‌ترین سازوکارها برای حمایت از زنان خشونت‌دیده است.

در ماده دهم قانون مزبور در افغانستان، وزارت امور داخله افغانستان، موظف به انجام اقدام‌هایی شده است که ماهیت پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی برای حمایت از آماج آسیب‌پذیر، یعنی زنان و بالابردن هزینه ارتکاب خشونت و اذیت و آزار زنان دارند. در بند نخست این ماده، «تنظیم گزمه‌های (نیروهای) پولیس (پلیس) در جاده‌های عمومی، فرعی و راه‌های رفت‌وآمد به مؤسسات تعلیمی و تحصیلی به منظور جلوگیری از اذیت و آزار زنان و ... فراهم نمودن محیط امن و مصون» و نیز فراهم نمودن محیط امن برای پیشگیری از اذیت در محلات عام یکی از

۱. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر، پیشین، ص ۱۱.

وظایف مهم وزارت پیش‌گفته دانسته شده است. یکی از وظایف دیگر این وزارت، وفق بند ۴ این ماده، ایجاد شماره تیلیفون (تلفن) خاص برای دریافت شکایات مربوط به آزار و اذیت زنان است که در ایران نیز زنان خشونت‌دیده یا در معرض خشونت، می‌توانند با تماس با سامانه ۱۲۳ اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی، از حمایت‌های لازم برخوردار شوند. در این راستا، وفق بند ۵ ماده ۲۲ لایحه صیانت، یکی از وظایف سازمان بهزیستی ایران، «فراهم آوردن و تقویت سامانه‌های مخابراتی و رایانه‌ای به منظور دریافت فوری گزارش‌ها و اطلاع‌رسانی مناسب در خصوص این سامانه‌ها» است. به این ترتیب، یکی از حمایت‌های پیش‌بینی شده برای زنان مورد خشونت جنسی و مزاحمت و اذیت و آزار اعلام شکایت و متعاقب آن، کیفر دادن به مرتکب است.

۱.۲.۲. کیفر دادن مرتکب؛ پاسخ سختگیرانه

جرم‌انگاری یک رفتار، نشان‌دهنده اهمیت نقض ارزش مورد حمایت آن جرم و به تبع، همراه با یک اقدام سرکوب‌کننده کیفری است. قانون «منع اذیت و آزار زنان و اطفال» افغانستان با تقسیم مجازات مرتکبان اذیت و آزار زنان در محلات و اماکن عام و نیز اذیت و آزار زنان در محل کار در مواد بیست‌وپنج و بیست‌وششم، هر دو مرتکبان را مستحق مجازات جزای نقدی دانسته است و ارتکاب اذیت و آزار زنان در «محل کار، مراکز تعلیمی و تحصیلی با مراکز صحی (بهداشتی)» با مجازات شدیدتر دو برابر بیشتر از مرتکبان آزارگران در مکان‌های عمومی پیش‌بینی کرده است. در ماده بیست‌وهفتم نیز در مواردی برای مرتکبان اذیت و آزار، با پیش‌بینی حالات مشدده، مجازات حبس از سه تا شش ماه پیش‌بینی شده است: نخست، در صورتی که جرم از سوی افرادی مانند «...طیب، آمر یا با استفاده از موقف و مقام» ارتکاب یافته باشد. در این راستا، گفتنی است که مزاحمت در محیط کار ممکن است تحت عناوینی مانند «به‌ستوه‌آوری»^۱ نیز مطرح باشد. در نظام حقوقی ایران، افزون بر جرم‌انگاری مزاحمت جنسی، در برخی قوانین دیگر نیز مانند ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی به این مسئله اشاره شده است؛ این ماده اشعار می‌دارد: «دختری که در اثر حيله و تهديد و يا سوءاستفاده از زيردست بودن، حاضر برای همخوابگی نامشروع شده، می‌تواند از مرتکب، علاوه بر زیان مادی، مطالبه زیان معنوی نیز

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: رضوانی، سودابه و روح‌الدین کردعلیوند، **به‌ستوه‌آوری روانی؛ جلوه‌ای از خشونت خانگی**، مجموعه مقاله‌های همایش ملی خشونت علیه زنان، کانون وکلای دادگستری، ۱۳۹۵.

بنماید». می‌توان گفت این ماده، از نوعی به‌سئوه‌آوری جنسی که یکی از مصادیق آزار جنسی است، سخن گفته است. در این گونه آزار، مرتکب یک وضعیت مشقت‌بار به بزه‌دیده تحمیل می‌نماید که وی باید به رفتارهای جنسی ناخواسته تن دهد و در غیر این صورت، با نتایج منفی در محیط کار مواجه خواهد شد.^۱ همین امر، لزوم حمایت از بزه‌دیدگان کلیه مصادیق آزار جنسی را ایجاب می‌کند. این لایحه در بحث پنجم و در ماده ۵۶، به نوعی به آزار در محیط کار اشاره نموده است. به موجب این ماده، مجبور نمودن کارمند یا کارگر زن با هر نوع رابطه استخدامی را مجبور به داشتن پوشش، آرایش، گویش یا هر نوع رفتار خاصی کنند که مغایرت با شأن زن دارد... یا این موارد را شرط ادامه کار قرار دهد... به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه هفت محکوم می‌شود. البته، این ماده نیز با بیان عبارات کلی و مبهم مانند «مغایرت داشتن با شأن زن» و عدم اشاره مستقیم به مصادیق آزار جنسی، حتی با فرض تصویب، چندان راهگشا نخواهد بود و باید تا پیش از تصویب لایحه مزبور، اقدام‌های لازم برای اصلاح آن صورت پذیرد تا حمایت‌های قانونی بایسته در این لایحه، به عنوان مقرره خاص حمایت از زنان در برابر خشونت اعمال شود. همچنین، مورد دوم عوامل مشدده در ماده بیست‌وهفتم قانون پیش‌گفته در افغانستان، در صورتی است که ارتکاب جرم منجر به صدمه جسمی یا روانی مجنی علیه شده باشد و سوم زمانی که «جرم، مکرراً» ارتکاب یافته باشد. بنابراین، در این ماده، سوءاستفاده از موقعیت بالاتر، ایراد آسیب و تکرار جرم به درستی از عوامل مشدده شمرده شده است. به این ترتیب، در نظر گرفتن سابقه کیفری و تکرار جرم به عنوان یک شاخص ریسک و عامل مشدده، می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد فردی که یک بار قانون را نقض کرده است، بار دیگر نیز این کار را انجام خواهد داد. به نظر می‌رسد در نظام حقوقی افغانستان در حوزه مبارزه با خشونت علیه زنان، با طیف‌بندی جرایم در این راستا، از خشونت‌های غیرکلامی تا بالاترین خشونت جنسی، یعنی تجاوز به عنف و تعیین مجازات‌های متناسب با آن، مبنای صحیح و منطقی اتخاذ نموده است. در ایران، وفق ماده ۶۱۹ قانون پیش‌گفته، مزاحمت علیه زنان یا توهین به آنان با الفاظی یا حرکات مخالف شئون با مجازات حبس از دو تا شش ماه و ۷۴ ضربه شلاق همراه است که نشان‌دهنده

۱. چمپیون، آر، دیوید، *به‌سئوه‌آوری جنسی*، جلد ۲، ترجمه علی افراسیابی در: نجفی ابرندآبادی، (زیرنظر)، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱۲.

توجه قانون‌گذار به پیشگیریِ کیفری از مزاحمت یا تعرض و توهین به زنان است که می‌تواند گام‌هایی برای پیشگیری از جرایم شدید مانند تجاوز به عنف باشد.

۲. تجاوز به عنف؛ شدیدترین شکل خشونت جنسی

در میان بزه‌های جنسی که اغلب مورد توجه پژوهش‌های بزه‌دیدگی زنان قرار می‌گیرند، موضوع تجاوز به عنف بحث‌های زیادی میان پژوهشگران برمی‌انگیزد. انتقادهای فمینیست‌ها حاکی از آن است که آمارهای رسمی بزه و برآوردهای بزه جنسی میزان واقعی تجاوز به عنف را دست‌کم می‌گیرد و به شکل خاص در خصوص مسائل تجاوز به عنف در ازدواج و کاربرد نابرابر قوانین تجاوز به عنف بین مردان و زنان اختلاف نظرهایی مطرح است. به نظر می‌رسد، تجاوز به عنف جرمی است که بیشترین «ترس از جرم»^۱ را در زنان برمی‌انگیزد. همچنین، دسترسی بزه‌دیدگان این جرم، بنا به برخی مسائل با چالش مواجه است. مثلاً، برخی سنت‌ها در افغانستان یکی از مهم‌ترین چالش‌های بزه‌دیدگان است. مانند مجبور کردن بزه‌دیده برای ازدواج با بزه‌کار و مرد متجاوز^۲ که آثار زبان‌بار روانی آن بر بزه‌دیده کاملاً مشخص است و بیشتر به یک شکنجه واقعی مانند است که ممکن است منجر به خودکشی یا دیگرکشی شود. اگرچه تجاوز جنسی نسبت به هر فردی می‌تواند صورت پذیرد، ریسک بزه‌دیدگی برخی افراد مانند زنان بیش از سایر افراد است. بزه‌دیدگان تجاوز جنسی بیشتر مجموعه‌ای از اثرات منفی وقوع تجاوز را تجربه می‌کنند. این افراد افزون بر متحمل شدن آسیب‌های بدنی، آسیب‌های عاطفی، روانی و درجات بالایی از اضطراب و افسردگی، مشکلاتی در تعامل با جامعه^۳ خود خواهند داشت. از این‌رو، در قوانین کشورهای مختلف، معمولاً جرم تجاوز به عنف، با شدیدترین کیفرها از جمله سلب حیات، حبس ابد یا حبس‌های بلندمدت همراه است. در مواد ۶۳۶ تا ۶۴۲ «کد جزای» افغانستان ۱۳۹۶ نیز در فصل جداگانه‌ای در باب هشتم در خصوص جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، به تجاوز

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد ترس از جرم، ر.ک: نیکوکار، حمید و بهاره همت‌پور، *ترس از جرم*، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.

2. Silence is violence, End The Abuse Of Afghanistan, op.cit, P.2

۳. لئا، ای. دیگل، *تجاوز جنسی*، جلد ۲، ترجمه: پاک‌نهاد، امیر در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (زیرنظر)، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، انتشارات میزان، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۰۲۰.

جنسی و مجازات آن پرداخته است. گفتنی است، وفق گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵، ۱۳۲ مورد تجاوز جنسی گزارش شده است. به نظر تهیه‌کنندگان این گزارش، با اینکه تجاوز جنسی حدود ۳ درصد خشونت علیه زنان را تشکیل می‌دهد، ولی به دلیل اینکه در این موارد، شرم از اجتماع و خانواده مانع از گزارش و ثبت اکثر موارد خواهد شد، وجود تعداد موارد بیشتر تجاوز جنسی با رفتارهای مقرر در قانون در افغانستان مبالغه نیست.^۱ این امر خاص افغانستان نیست و بیشتر زنانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، حادثه را به پلیس گزارش نمی‌دهند. آلن و مایهل، کشف کردند که از میان زنانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، تنها دو زن از ده زن حادثه را به پلیس گزارش می‌دهند و این کاهش، محدود به انگلستان و ولز نیست، بلکه در سراسر اروپا وضع به همین روال است.^۲

۲.۱. رفتارهای تشکیل‌دهنده تجاوز جنسی

عنصر مادی تجاوز جنسی ممکن است به طور معمول، رفتارهای چندی مانند داخل نمودن آلت تناسلی به قُبُل، دُبُر یا دهان زن، داخل کردن اشیای دیگر، برقراری رابطه با اشخاص زیر سن قانونی و تحت شرایطی مانند اجبار، اکراه، اغفال و ... را در برمی‌گیرد که نشان‌دهنده رفتارهای چندگانه در وقوع این جرم است. وفق ماده سوم قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸ افغانستان، یکی از اقسام خشونت علیه زنان، تجاوز جنسی است که ارتکاب فعل زنا یا لواط با زن بالغ توأم با اجبار و اکراه یا ارتکاب آن با زن نابالغ یا تجاوز به عفت و ناموس زن است. بنابراین، رابطه جنسی به شکل مقرر در ماده که در کد جزا نیز مورد تصریح قرار گرفته است، از اقسام تجاوز جنسی محسوب می‌شود. افزودنی است که نه تنها رابطه جنسی توأم با عفت و اکراه، بلکه نکاح با دختر زیر سن قانونی نیز وفق بند ۱۲ ماده ۵، تحت عنوان «نکاح قبل از اكمال سن قانونی» خشونت^۳ و جرم محسوب می‌شود که امروزه، مباحث مربوط به کودک-همسری و مقاربت با آنها را مطرح نموده است.

۱. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۵، صص ۲۰ و ۲۱.

2. Myhill, A. and Allen, J. (2002a) Rape and Sexual Assault of Women: Findings from the British Crime Survey, Findings, p. 49.

۳. وفق ماده ۴ قانون مزبور، «خشونت جرم بوده، هیچ کس حق ندارد در محل سکونت، اداره دولتی یا غیر دولتی، مؤسسات، محلات عامه، وسایط نقلیه یا سایر محلات، مرتکب آن گردد، در صورت ارتکاب مطابق احکام این قانون مجازات می‌گردد». بنابراین، یکی از نقاط مثبت این قانون، تصریح به جرم بودن خشونت علیه زنان است.

۲.۱.۱. مقاربت جنسی

یکی از مسائل قابل تأمل در خصوص تجاوز جنسی در حقوق افغانستان، برخلاف حقوق ایران، جرم‌انگاری تجاوز جنسی با این عنوان، به صورت مستقل و نه، ذیل مواد مربوط به «زنا» است. وفق ماده ۶۳۶ کد جزای افغانستان، تحقق هر یک از رفتارهای شکل‌دهنده ادخال همراه با مصادیق مختلف عدم رضایت مانند جبر یا دیگر وسایل ارباب‌آمیز یا تهدید، ناتوانی جسمی یا روانی بزه‌دیده یا ناتوانی وی از ابراز رضایت مانند اشخاص مجنون یا کودک، دخول در زمان بیهوشی یا نبود ادراک ناشی از مصرف الکل یا موادمخدر یا حتی خواب، سبب تحقق تجاوز جنسی وفق مقررات این ماده خواهد شد. به این ترتیب، یکی از مشخصه‌های جرم تجاوز جنسی، عدم رضایت بزه‌دیده در آن است. در این خصوص، بحث‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این مسائل، اعتبار رضایت فرد زیر سن قانونی برای برقراری رابطه جنسی است. در برخی نظام‌های حقوقی، رضایت، معتبر تلقی نمی‌شود و در حکم عدم رضایت است. در چارچوب ماده مزبور باید بیان داشت که در حقوق افغانستان، وسیله دخول، آلت تناسلی یا اعضای بدن و حتی اشیاست و محل دخول نیز تنها آلت تناسلی زن یا مقعد است و سایر منافذ بدن مانند دهان و امثال آن را در برنمی‌گیرد. نکته قابل توجه دیگر اینکه مقاربت جنسی با مرده تجاوز نیست و می‌تواند وفق ماده ۶۹۵ این قانون، بی‌حرمتی به میت محسوب شود. گفتنی است، وفق ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جماع با میت نیز زنا محسوب می‌شود، مگر رابطه جنسی زوج با زوجه متوفا که زنا نیست، بلکه موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است. به نظر می‌رسد، قانون‌گذار برگرفته از منابع فقهی، وجود رابطه محرمیت در زمان زنده بودن زوجه را به زمان مرگ وی نیز تسری داده و به علت عدم جرم‌انگاری تجاوز در رابطه زناشویی، این عمل را زنا محسوب ننموده است.

در نظام حقوقی ایران، «تجاوز به عنف» تحت عنوان «زنا به عنف» در مواد ۲۲۴ و ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ذیل فصل مربوط به زنا به عنوان یک جرم مستوجب حد

۱. حد زنا در موارد زیر اعدام است: ... ت- زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است ... تبصره ۲ - هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا یا او نباشد، در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود، نیز حکم فوق جاری است.

پیش‌بینی شده است. بنابراین، برای تعیین عنصر مادی جرم زنا به عنف، باید به تعریف زنا مراجعه شود و اگر آن رفتار تحت شرایط خاص مقرر در ماده ۲۲۴ مانند عنف یا اکراه رخ دهد، زنا به عنف و در صورت انجام آن در حالت بیهوشی، خواب، مستی، اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا ربایش، تهدید و ترساندن زن اگر چه موجب تسلیم شدن وی باشد، در حکم زنا به عنف است. زنا نیز وفق مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ قانون مزبور، «جماع بین زن و مرد بدون علقه زوجیت و با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبُل یا دبر زن» است. افزودنی است که قانون‌گذار ایران باید مفهوم و معنای عنف و اکراه و مصادیق آن را با تفصیل بیشتری مشخص می‌نمود تا در عمل، از صدور آرای ناهمگون، جلوگیری می‌شد.^۱ مسئله قابل تأمل در این راستا این است که در عنف و اکراه یا تهدید رفتار فرد باید نوعاً، جبراًمیز و تهدیدکننده باشد و همچنین، باید بر بزه‌دیده تأثیرگذار باشد؛ به نوعی تهدید، مقید به نتیجه، یعنی تأثیر و نه تحقق آنچه که فرد به آن تهدید شده، است.^۲ بنابراین، به نظر می‌رسد هر دو معیار نوعی و شخصی باید مدنظر قرار گیرد. این عدم رضایت باید در لحظه لحظه رابطه وجود داشته باشد؛ زیرا «آمیزش جنسی، یک عمل مستمر است و هرگاه، زن در هر لحظه از آن، عدم رضایت خویش را ابراز کند، ادامه رابطه از سوی مرد، می‌تواند «تجاوز جنسی»، محسوب شود».^۳ قانون‌گذار ایران میان زنا به عنف یا اکراه واقعی و حکمی تفاوت قائل شده است. در زنا به عنف یا اکراه واقعی، زانی سلب‌کننده اختیار و اراده بزه‌دیده است؛ درحالی‌که در زنا به عنف یا اکراه حکمی، عوامل دیگر مانند بیهوشی، مستی، صغر سن و ... سال به اراده وی هستند. البته، نکته قابل تأمل این است که اگر مرتکب خود سبب ایجاد برخی عوامل زنا حکمی به عنف و اکراه مانند مستی شود و مثلاً به بزه‌دیده ماده مست‌کننده یا داروی بیهوش‌کننده یا خواب‌آور دهد، عمل زنا به عنف واقعی و نه حکمی است.

۱. میرمحمدصادقی، حسین، *جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص*، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۵۷۵.
 ۲. آقایی، مهدی، *رسیدگی به جرایم منافی عفت (با رویکرد کاربردی)*، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ دوم، ۱۳۹۷، ص ۸۶.
 ۳. همان، ص ۵۳۷.

گفتنی است، در هر دو حقوق ایران و افغانستان، برخلاف برخی کشورها مانند انگلستان، براساس مبانی دینی و مذهبی «تجاوز زناشویی»^۱ جرم‌انگاری نشده و وجود رابطه زوجیت و ادخال از طرقي که شرع مجاز شمرده است، از دایره تجاوز جنسی خارج است. البته، بنا به نظر برخی نظریه‌پردازان در افغانستان، لواط اجباری و داخل کردن سایر اشیا در قُبُل یا دُبُر با وجود رابطه زوجیت بین مرتکب و زن بزه‌دیده مشمول حکم لواط و خشونت علیه زن است.^۲ مسئله‌ای که در حقوق ایران جرم‌انگاری نشده و صرفاً رابطه زوجیت، برای عدم تحقق هرگونه تجاوز اعم از زنا یا لواط کافی است. در این راستا، مردان معمولاً برقراری این رابطه را حق خود و زنان نیز خود را موظف به پاسخ به نیازهای جنسی همسرشان می‌دانند. این امر، به ویژه در جوامع سنتی و مردسالار سبب شکل‌گیری یک رابطه یکسویه شده است و اگر زن به هر دلیلی از برقراری این رابطه دریغ نماید، مرد، نه تنها احساس می‌کند به جایگاه او خدشه وارد شده است، بلکه چنین رفتاری را دلیل بر محرومیت از حق مسلم خویش قلمداد می‌نماید و ممکن است با استفاده از هر حربه‌ای زن را وادار به تمکین کند. وفق یک پژوهش در ایران، در خصوص میزان همراهی سایر خشونت‌ها با خشونت جنسی و نگرش زناشویی در این رابطه، مشخص شد که حمله جسمانی، پرخاشگری و تحمیل جنسی^۳ همراه است.

اجبار زن به تمکین، به‌ویژه اجبار به نزدیکی غیرطبیعی می‌تواند آثار سوء روحی و جسمی برای وی به دنبال داشته باشد.^۴ شاید دلیل جرم‌انگاری تجاوز در نهاد زناشویی در حقوق برخی کشورها غربی این است که در این کشورها، مفهوم رضایت در روابط جنسی، بسیار متفاوت از مفهوم آن در حقوق اسلامی است، به این صورت که حتی عدم رضایت زوجه در برقراری روابط جنسی را داخل در عنوان تجاوز می‌دانند. این تفاوت از دو دیدگاه مغایر نشئت می‌گیرد که یکی روابط جنسی را منحصر در دایره زوجیت می‌داند و اهتمام به توسعه آن به منظور محو فحشا در داخل محدوده زوجیت دارد و دیگری، زوجیت را مانعی برای آزادی روابط جنسی فرا

1. Marital Rape.

۲. جمعی از نویسندگان، *تسرح کله جزاء*، جلد ۳، نشر بنیاد آسیا، خزان ۱۳۹۸، ص ۴۱۶.

۳. محمدخانی، پروانه، *رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی*، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی ایران، سال شانزدهم، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۳، ص ۲۰۰.

۴. میرکمالی، علیرضا، *مبانی فقهی-حقوقی جرم‌انگاری تجاوز زناشویی*، مجله خانواده‌پژوهی، سال سیزدهم، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۵۱، ص ۳۹۰.

زوجیتی نمی‌داند.^۱ در جمع میان نظریه‌های مختلف می‌توان گفت با توجه به ورود آسیب‌های جسمانی و روانی به زن و مبانی فقهی چون قاعده لاضرر در فقه و برخی و مبانی فقهی دیگر،^۲ می‌توان حتی در حقوق ایران و افغانستان نیز این رفتار را جرم‌انگاری نمود؛ زیرا عدم رعایت اعتدال در دفعات برقراری روابط جنسی از یک‌سو و نیز برقراری روابط جنسی در هر یک از این دفعات به شیوه نامتعارف، از سوی دیگر، با حسن معاشرت زوج منافات دارد. در واقع، رعایت معاشرت به معروف در حوزه زناشویی هم به اصل رابطه و هم به کیفیت آن ناظر است.^۳

۲.۱.۲. تجاوز به عفت و ناموس زن

یکی دیگر از مصادیق تجاوز جنسی در کُد جزا افغانستان، «تجاوز به عفت و ناموس زن» است. ماده ۶۴۰ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «(۱) شخصی که مرتکب تجاوز به عفت و ناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به دخول در قُبُل یا دُبُر نگردد، بلکه منجر به تفریض، مساحقه یا تماس جنسی گردد، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد. (۲) امر اجرای معاینات عدلی طبی پرده بکارت بدون رضایت زن یا حکم محکمه‌ای ذی‌صلاح ممنوع بوده، مرتکب به حبس قصیر، محکوم می‌گردد. (۳) هرگاه عمل مندرج فقره ۲ این ماده با استفاده از زور، تهدید یا ارباب انجام داده شود، مرتکب به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.» مصادیق مقرر در این ماده، رفتارهای دون زنا به عفت است. در واقع، تفاوت رفتارهای این بخش با تجاوز جنسی در عدم دخول است و به دلیل اهمیت خاص تجاوز جنسی، در ماده جداگانه‌ای از آنها نام برده شده است. مجازات این رفتارها نیز نسبتاً شدید و از ۵ تا ۷ سال است. درباره قسمت دوم ماده بالا، باید گفت که در نظام قضایی افغانستان، در اغلب موارد اتهام جنسی، معاینات طبی پرده بکارت دختران بدون رضایت دختر یا حکم دادگاه انجام می‌شود. با توجه به لزوم احترام به تمامیت جسمانی و پیشگیری از آسیب‌های روانی، جسمانی و حیثیتی در این خصوص، افزون بر جرم‌انگاری این عمل و پیش‌بینی ضمانت‌اجرا، وفق اصل تحصیل دلیل از رهگذر قانونی، نتایج معاینات بدون

۱. حاجی‌ده آبادی احمد و دیگران، بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲، ص ۴۲.
۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: میرکمالی، علیرضا، پیشین.
۳. نوبهار، رحیم و ام‌البین حسین، قاعده لزوم معاشرت به معروف، مجله خانواده‌پژوهی در روابط زن و شوهر، سال یازدهم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۴۱.

رضایت دختر یا حکم محکمه، فاقد اعتبار قانونی در اثبات جرم است.^۱ حبس قصیر ۱ تا ۳ سال است و وفق تبصره، در صورتی که عمل معاینه طبی با تهدید، ارباب یا تهدید صورت گرفته باشد، مجازات مرتکب از حبس قصیر (کوتاه) به حبس متوسط تشدید می‌شود. در نظام حقوقی ایران از آنجا که عنوان مجرمانه تجاوز به عنف به صورت مستقل وجود ندارد، اعمال مادون زنا نیز تحت عنوان تفخیز، مساحقه و ... آمده است، اما در صورتی که این اعمال به عنف و اکراه واقع شوند، جرم‌انگاری و مجازات مستقل وجود ندارد و فرد در صورت ارتکاب این اعمال بدون رضایت، با شلاق تعزیری مواجه خواهد شد. نکته دیگر این است که در حقوق ایران برخلاف حقوق افغانستان، تفخیز وفق ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در مورد زن موضوعیت ندارد و وفق ماده پیش‌گفته، موضوع این جرم فقط انسان مذکر^۲ است. بنابراین، یکی از ویژگی‌های مثبت قانون افغانستان در این راستا، پیش‌بینی به عنف بودن برخی رفتارهای جنسی مادون زنا است که می‌تواند برای قانون‌گذار ایران نیز الگو باشد تا حمایت‌های شایسته‌تری به لحاظ کیفی از بزه‌دیدگان به عمل آید. البته، افزودنی است که در لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خسونت در ماده ۴۴، این مسئله پیش‌بینی شده است. این ماده اشعار می‌دارد: «هرگاه کسی به عنف یا اکراه با زنی رابطه نامشروع مادون زنا برقرار کند، به شلاق تعزیری تا ۹۹ ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش محکوم می‌شود». وفق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مقصود از محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش، بیش از شش ماه تا پنج سال است. بنابراین، در صورت تصویب این لایحه، نقص موجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص جرایم نامشروع دون زنا اصلاح می‌شود. کیفر مقرر در این ماده نیز، به‌ویژه محرومیت از حقوق اجتماعی، نسبتاً شدید است؛ همچنان‌که در تجاوز به عنف قانون‌گذار مجازات شدیدی تعیین کرده است.

۱. شرح کد جزاء، پیشین، ص ۴۲۶.

۲. ماده ۲۳۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «تفخیز عبارت از قراردادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشمینگاه انسان مذکر است».

۲.۲. تجاوز به عنف؛ درخور پاسخی شدید

تجاوز جنسی، رویدادی است که زندگی زنان بزه‌دیده را دگرگون می‌سازد و زنان قربانی در باقی‌مانده عمر، تحت تأثیر پیامدهای ناخوشایند آن هستند و «به نظر برخی، مجازات‌های سبک برای این جرم، نه تنها تجربه سخت و ناگوار قربانی را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد، بلکه تا حد گسترده‌ای بر این حمل می‌شود که جنس مونث اهمیتی برای قانون‌گذار ندارد»^۱ در برخی نظم‌های حقوقی نیز شدت مجازات را در جرایم جنسی بدون رضایت، دارای بازدارندگی می‌دانند. از این رو است که به طور معمول، در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله ایران و افغانستان، کیفر تجاوز به عنف تحت هر عنوان، شدید است.

۲.۲.۱. کیفر تجاوز به عنف؛ از حبس بلندمدت تا اعدام

به دلیل آثار بسیار زیان‌بار جرم تجاوز جنسی، همواره در نظام‌های حقوقی مختلف، این رفتار با شدیدترین پاسخ‌ها مواجه بوده است. وفق فقره ۲ ماده و فقره ۲ ماده ۶۳۶ کد جزا در افغانستان، مجازات جرایم مستوجب حد از جمله تجاوز جنسی براساس احکام فقه حنفی،^۲ تعیین می‌شود و زمانی که شرایط تطبیق حد فراهم نباشد، وفق ماده ۶۳۷ با مرتکب رفتار می‌شود. وفق ماده ۶۳۷، «کد جزا» افغانستان، «مرتکب جرم تجاوز جنسی در صورت مقاربت جنسی، به حبس طویل محکوم می‌شود». مقصود از حبس طویل، براساس فقره ۳ ماده ۱۴۷ کد جزا، بیش از ۵ تا ۱۶ سال است. براساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵، از میان ۸۲۳ پرونده رسیدگی شده در حوزه خشونت علیه زنان، ۱۰ نفر به اعدام، ۴۵ نفر به حبس دوام (دائم) و ۱۷۰ نفر به حبس طویل محکوم شدند.^۳

وفق بند «ت» ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حد زنا به عنف از سوی زانی، موجب اعدام و سلب حیات وی است. همچنین در ماده ۲۳۱ در زنا به عنف و مصادیق در حکم آن در صورت باکره بودن زن، مرتکب به مهرالمثل و ارش البکاره و در غیراین صورت، افزون بر

۱. اردبیلی، محمدعلی، سقط جنین در بارداری ناشی از زنا به عنف، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ص ۱۴۱.

۲. این امر بر اساس ماده ۱۳۰ قانون اساسی افغانستان است که بیان می‌دارد: در صورت نبود یک قانون مدون در مورد یک مسئله، باید وفق قواعد فقه حنفی عمل شود. گفتنی است این امر، در صورتی است که ماده ۲۷، اصل قانونی بودن جرم را به رسمیت شناخته است.

۳. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵، ص ۲۹.

مجازات، به پرداخت مهرالمثل محکوم می‌شود. تعیین مجازات سالب حیات برای مرتکبان این جرم موجب شده است قضات دادگاه‌های کیفری در عمل، اعمال این گونه مجازات را عادلانه تلقی نکنند و مرتکب را از اتهام تجاوز به عنف تبرئه کنند و با تبرئه متهم، به طور معمول، پرونده برای رسیدگی به سایر اتهام‌های احتمالی به دادسرای ارشاد و دادگاه کیفری دو ارجاع داده می‌شود. در واقع، هزینه عدم رعایت اصول استفاده از ضمانت اجرای کیفری در جرم تجاوز به عنف بر عهده بزه‌دیدگان نهاده شده است. چنانچه قانون‌گذار ایران ضمن ایجاد هم‌زیستی میان مجازات‌های شرعی و عرفی با رتبه‌بندی شدت جرم تجاوز به عنف به تناسب از مجازات‌های درجه‌پذیر مانند حبس‌های میان‌مدت و بلندمدت استفاده می‌نمود، قضات تمایل بیشتری برای به رسمیت شناختن شکایت‌های مرتبط به این جرم و متناسب کردن مجازات‌های قضایی با جرم، مرتکب و بزه‌دیده از خود نشان می‌دادند. به این ترتیب، مرتکبان جرایم جنسی مجال کمتری برای سوءاستفاده از نواقص و خلأهای قانونی می‌یافتند^۱ و حمایت کیفری مؤثرتری از بزه‌دیدگان این جرایم نیز به عمل می‌آمد.

۲.۲.۲. عوامل مشدده در جرم تجاوز جنسی

با توجه به اینکه مجازات اولیه تجاوز جنسی در حقوق افغانستان حبس است، در مواد ۶۳۹ و ۶۴۱ کد جزا، عوامل چندی به عنوان حالات مشدده در این مواد، بیان و سبب می‌شوند که مرتکب به «حبس دوام» درجه ۲ (حبس ابد درجه دو یا تحت شرایطی به اعدام یا حبس دوام درجه ۱ (حبس ابد درجه یک) محکوم شود. حالات مشدده در این مواد، عوامل مربوط به بزه‌دیده آسیب‌پذیر، مانند طفل، یا ویژگی‌ها و شرایط مرتکب یا شیوه و الگوی ارتکاب جرم است. بند نخست ماده ۶۳۹ عواملی مانند طفل بودن مجنی‌علیه، صاحب نفوذ و اختیار بودن مرتکب، محرم دائمی یا موقتی بودن متجاوز یا در صورتی که تجاوز جنسی منجر به سقط جنین، بارداری، ایجاد جراحت یا صدمه شدید روحی، امراض مقاربت جنسی موجب حبس ابد درجه ۲ و در بند دوم این ماده، فوت بزه‌دیده در نتیجه تجاوز را موجب اعدام مرتکب می‌داند. در واقع، آسیب‌پذیری بزه‌دیده یا آثار زیان‌بار جسمی و روانی، از عوامل مشدده در این ماده هستند. گفتنی

۱. فرجی‌ها، محمد و هاجر آذری، حمایت از کیفری از زنان قربانی تجاوز به عنف در حقوق ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۲۹۲ و ۲۹۳.

است، مقصود از جنین در بند دوم در مورد تجاوز منجر به سقط جنین، مراحل مختلف جنینی است. در این حالت، افزون بر آسیب‌های روانی و جسمانی شدید به زن باردار، یک انسان بالقوه نیز از بین می‌رود. همچنین، در خصوص تجاوزی که موجب حاملگی بزه‌دیده شود، به نظر می‌رسد سرنوشت مبهم جنین ناشی از تجاوز و حقوق اجتماعی وی و اینکه در اغلب اوقات، چنین بارداری‌هایی از موارد عسر و حرج زن و منتهی به سقط جنین می‌شود، تشدید مجازات کاملاً منطقی است. بنابراین، پیامدهای ناشی از غیرقانونی بودن سقط جنین، فشارهای روحی ناشی از بارداری اجباری در نتیجه تجاوز و ... باید مدنظر قانون‌گذار قرار بگیرد.

یک عامل مشدده دیگر در این قانون که در ماده ۶۴۲ به آن اشاره شده است، ارتکاب تجاوز جنسی به شکل گروهی است. در این ماده، تجاوز جنسی بیش از یک نفر علیه زن وفق بند ۴ ماده ۱۷۰ قانون کد جزا، کیفر مرگ یا حبس ابد درجه یک به دنبال دارد. گروهی بودن تجاوز به دلیل بالا بودن میزان خطرناکی و ورود آسیب‌های جسمی و روحی بیشتر به مجنی‌علیه وفق شرایط خاص مرتکبان یا بزه‌دیده به اعدام یا حبس ابد درجه یک تشدید می‌شود. در حقوق ایران، به دلیل اینکه، کیفر زنا به عنف، ثابت و اعدام است، تشدید مجازات با مداخله عوامل مشدده، موضوعیت ندارد. با وجود این، ماده ۳۴ لایحه صیانت مقرر داشته است: «اجتماع و تبانی دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم قتل یا آدم‌ربایی یا تجاوز به عنف به یک زن، موجب تشدید مجازات از میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی تا حداکثر آن خواهد بود». فارغ از ایرادها و ابهام‌های موجود در ماده، اشاره به اجتماع و تبانی و تشدید ناشی از آن و جرم‌انگاری تبانی برای تجاوز همسو با ارتکاب جرم گروهی مقرر در مقررات ماده ۶۴۲ کد جزا افغانستان است.

نتیجه گیری

هرچند سال‌هاست که خشونت علیه زنان مورد توجه اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی قرار گرفته است، بنا به دلایلی هنوز برخی از اشکال آن، به‌ویژه خشونت جنسی، نیازمند توجه بایسته دولت‌ها و قانون‌گذاران کشورهای مختلف مانند افغانستان و ایران است که بنا به برخی دلایل مانند وجود سنت‌ها و عرف‌های مردسالارانه بیشتر، خشونت علیه زنان، همچنان فراوان است. توجه به درجه‌بندی خشونت علیه زنان از به‌سویه‌آوری و خشونت‌های غیرلمسی تا شدیدترین خشونت جنسی مانند تجاوز به عنف نیازمند جرم‌انگاری مدرج، تفصیلی و مدّ نظر قراردادن طیف وسیع خشونت علیه زنان نیز است. همچنین، ابهام در الفاظ، عدم صراحت، نادیده‌گرفتن برخی اشکال خشونت در حمایت‌های قوانین و مقررات کنونی در برخی نظام‌های حقوقی مانند افغانستان و ایران، یکی دیگر از چالش‌های عدم حمایت سیاست تقنینی کنونی این کشورهاست. به نظر می‌رسد در افغانستان در سال‌های اخیر متأثر از تصویب اسناد و مقررات بین‌المللی در این راستا، گام‌های مناسبی برداشته شده است؛ با این حال در ایران، نه تنها تاکنون قانونی جامع در این زمینه به تصویب نرسیده است، بلکه به دلایل گوناگون، از جمله فرهنگ مردسالاری، برداشت‌های اشتباه از برخی آموزه‌های دینی و اسلامی، فقدان یا ناکافی بودن قوانین همه‌جانبه حمایتی، تأدیبی و پیشگیری‌کننده، پنهان بودن این پدیده، عادی پنداشتن آن و... همچنان، لزوم تصویب قوانین پیشگیرانه و حمایتی در این زمینه مورد نیاز است. لایحه «صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» نیز به‌رغم گذشت مدت زمان طولانی از تاریخ پیشنهاد لزوم تصویب یک لایحه مستقل برای حمایت از زنان، همچنان در رفت‌وآمد برای پوشیدن جامه یک قانون است که حتی بر فرض تصویب آن به شکل کنونی با وجود ایرادهای فراوان مانند موردی بودن، ابهام، عدم ضمانت‌اجراهای مناسب، عدم لزوم جرم‌انگاری برخی رفتارها، دشواری احراز و اثبات برخی رفتارها مانند لمس بدن زنان در معابر عمومی یا اجبار دختران به فرار از منزل و چالش‌های دیگر، تأثیر چندانی در حمایت از زنان، به‌ویژه حمایت در برابر خشونت جنسی، نخواهد داشت.

بنابراین، اصلاح لایحه کنونی تأمین امنیت زنان در برابر خشونت و پیش‌بینی سازوکارهای قانونی مناسب برای حمایت از زنان در برابر خشونت، درجه‌بندی خشونت جنسی و توجه به کلیه گونه‌های آن، آموزش‌های لازم در خصوص خشونت جنسی به کلیه افراد، به‌ویژه پیش‌بینی برخی

واحد‌های درسی از دوران مدرسه در مورد شیوه رفتار متقابل میان دختران و پسران به تناسب سن و درک دانش‌آموزان، آموزش از رهگذر رسانه و فضای مجازی و مدنظر قراردادن راهکارهای پیشگیرانه، حمایتی و در صورت لزوم، ضمانت‌اجراهای کیفری با توجه به بازدارندگی و کارایی آن است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. ابوالحسنی، سلامه، *خشونت خانگی بررسی حقوقی - جرم‌شناختی اسناد بین‌المللی*، نشر میزان، ۱۳۹۶.
۲. احمدی، کامیل، *طنین سکوت، پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران*، نشر شیرازه، ۱۳۹۶.
۳. آقای، مهدی، *رسیدگی به جرایم منافی عفت (با رویکرد کاربردی)*، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ دوم، ۱۳۹۷.
۴. جمعی از نویسندگان، *شرح کد جزا*، جلد ۳، نشر بنیاد آسیا، خزان ۱۳۹۸.
۵. چمپیون، آر، دیوید، *به ستوه‌آوری جنسی*، جلد ۲، ترجمه علی افراسیابی در: نجفی ابرندآبادی، (زیرنظر)، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، چاپ نخست، ۱۳۹۳.
۶. رنجبران، قاسم و الهه دبیرزاده، *خشونت بر زنان در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی*، انتشارات فرهنگ‌شناسی، ۱۳۹۰.
۷. شکری، رضا و سیروس قادر، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، تهران: نشر مه‌ار، ۱۳۸۳.
۸. لئا، ای. دیگل، *تجاوز جنسی*، جلد ۲، ترجمه: پاک‌نهاد، امیر در: نجفی ابرندآبادی، علی-حسین (زیرنظر)، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، انتشارات میزان، زمستان ۱۳۹۳.
۹. میرمحمدصادقی، حسین، *جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص*، نشر میزان، ۱۳۹۲.

مقاله

۱۰. اردبیلی، محمدعلی، *سقط جنین در بارداری ناشی از زنا به عنف*، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۳۹.

۱۱. اسدی، محمد و احمد مرتاضی، **خشونت کلامی خانگی علیه زنان و راهکارهای قانونی برخورد با آن**، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۲.
۱۲. آموزگار، بازمحمد، **نگاهی به مصادیق خشونت علیه زنان در افغانستان (در روشنایی قانون منع خشونت علیه زنان و قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال)**، زمستان ۱۳۹۵.
۱۳. پاک‌نهاد، امیر، **تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی مزاحمت جنسی**، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲.
۱۴. حاجی‌ده آبادی احمد و دیگران، **بررسی مبنای ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکردی به فقه امامیه**، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲.
۱۵. رضوانی، سودابه و مریم غنی‌زاده بافقی، **خانه‌های امن به مثابه درمانگاه زنان خشونت‌دیده خانگی**، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۳، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۰۶.
۱۶. السان، مصطفی، **جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱.
۱۷. غلامی، حسین و مهری برزگر، **پیش‌بینی خشونت علیه زنان و راهکارهای اتخاذی بر مبنای آن**، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره ۱۴.
۱۸. فرجی‌ها، محمد و هاجر آذری، **حمایت از کیفری از زنان قربانی تجاوز به عنف در حقوق ایران**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
۱۹. قدسی، ابراهیم و مصیب قدمی عزیزآباد، **تأملی نوین پیرامون حق مقابله با خشونت جنسی علیه زنان (بر مبنای نظام حقوقی - قضایی ایران)**، پژوهش‌نامه حقوق بشری، پاییز ۱۳۹۸. محمدخانی، پروانه، **رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی**، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی ایران، سال شانزدهم، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۳.

۲۰. میرکمالی، علیرضا، مبانی فقهی - حقوقی جرم‌انگاری تجاوز زناشویی، مجله خانواده‌پژوهی، سال سیزدهم، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۵۱.
۲۱. نوبهار، رحیم و ام‌البنین حسینی، قاعده لزوم معاشرت به معروف، مجله خانواده‌پژوهی در روابط زن و شوهر، سال یازدهم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۴۱.

گزارش

۲۲. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۴.
۲۳. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۵.

منبع الکترونیک

۲۴. یونیسف، ۱۳۸۰، ازدواج زودهنگام: کودک همسران، موجود در:

<https://unisef-irc.org/publications/291>

ب) منابع انگلیسی

25. Afghanistan Human Development Report 2007.
26. Marisa Silvestri and Crowther- Dowdy, Chris, Gender and Crime, Sage Publication, Ltd; Second edition (April 21, 2016).
27. Myhill, A. and Allen, J. (2002a) Rape and Sexual Assault of Women: Findings from the British Crime Survey, Findings.
28. Silence is violence, End the Abuse of Afghanistan, Human rights, United Nation Assistance Mission in Afghanistan, Kabul, Office of the United Nation High Commissioner for human Rights Geneva, July 2008.
29. World Health Organization., World report on violence and health (Geneva: World Health Organization, 2002).